

هوالمعلیم

امید و اکنون زیستی در آثار مولانا

هانیه سازمند

ویراستار : علی حسین سازمند



سرشناسه: سازمند، هانیه، ۱۳۵۹-

عنوان قرار دادی: مثنوی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: امید و اکنون زیستی در آثار مولانا / پژوهشگر هانیه سازمند

مشخصات نشر: تهران/ دانه، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۰۶۹-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: مولانی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۴ ق. مثنوی-امید

موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۴ ق. نقد و تفسیر

موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۴ ق. مثنوی - نقد و تفسیر

موضوع: امید در ادبیات

موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد

رده بندی دهگانه: ۱۳۹۲ ۲۲۲ / ۵۳۰۱ PIR

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۰۶۹-۴

شماره کتاب: ۳۳۷۲۹۲۴ ملی

عنوان: امید و اکنون زیستی در آثار مولانا
تألیف: هانیه سازمند
ویراستار: ع.ح. سازمند
صفحه آرا: فرزانه هاشملو
مدیر تولید: داریوش سازمند
ناشر: دانه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شریف
شمارگان: ۵۵۰ نسخه / قطع: رقعی
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۰۶۹-۴

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا بخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران: خیابان استاد مطهری - خیابان سلیمان خاطر (امیر اتابک) - کوچه اسلامی - شماره ۴/۲

کد پستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۳۱ تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸-۸۸۸۱۲۰۸۳ تلفکس: ۸۸۸۴۲۵۴۳

تلفن دفتر پخش: ۶۶۴۷۶۳۷۵ - ۶۶۴۶۲۰۶۱ فکس: ۶۶۴۷۶۳۸۹



فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۳	بخش اول (کلیات)
۱۵	مقدمه
۲۵	بخش دوم (نظریه امید)
۲۷	مقدمه
۲۷	معانی واژه امید
۳۲	نظریه امید
۳۴	مؤلفه‌های امید
۳۴	داشتن هدف (هدفمندی)
۳۵	قدرت برنامه‌ریزی یا راهیابی
۳۶	قدرت اراده و پابوری
۳۶	صبر و شکیبایی (پایایی)
۳۸	ویژگی‌های هدف
۳۹	هدف باید معین باشد
۳۹	هدف باید قابل سنجش باشد
۳۹	هدف باید قابل وصول باشد

۳۹	هدف بایستی واقعی باشد
۴۰	هدف باید تابع زمان باشد
۴۰	مراحل رشد امید
۴۲	آسیب شناسی امید
۴۴	اضطراب و علایم آن
۴۴	خشخاشگری
۴۴	یاسی و افسردگی
۴۵	اختلال شناختی
۴۷	بخش سوم (اکنون روستی)
۴۹	مقدمه
۵۱	مفهوم گشتالت
۵۲	بنیان نظری گشتالت
۵۷	افراد سالم
۵۸	راه های معنا بخشیدن به زندگی
۶۰	ویژگی های افراد سالم از دیدگاه فرانکل:
۶۰	دیدگاه مزلو مبنی بر زندگی در این جا و اکنون
۶۳	ویژگی های افراد سالم از دیدگاه مزلو
۶۹	بخش چهارم (مولانا و امید)
۷۱	مقدمه
۷۲	مولانا و انگیزه ها
۷۳	زیربنای فکری مولانا
۷۶	مولانا و قضای الهی
۷۸	مولانا و اختیار آدمی
۸۲	امید واقعی

۹۵	مؤلفه‌های امید
۹۵	طلب
۱۰۲	تلاش در جهت تحقق هدف
۱۰۵	مدیریت تلاش
۱۰۸	صبوری از رنج کار
۱۱۵	قبض و قبض
۱۱۵	تبیین رنج اندوه
۱۱۶	شکرگزاری
۱۲۰	ناسپاسی قوم
۱۲۴	نیایش
۱۲۷	امید عارفان امید زاهدان
۱۳۱	دلایل اندوه و قبض
۱۳۴	نیایش
۱۳۵	نیایش آفریده‌های عالم
۱۳۶	باید با دهان پاک دعا کرد
۱۴۰	دعا عین لبیک گفتن حق است
۱۴۴	نیایش اهل رضا
۱۵۰	اکنون زیستی
۱۵۱	آرزوهای دراز ضد اکنون زیستی است
۱۵۲	هدفمندی و کار موجب اکنون زیستی است
۱۵۳	امید به آینده موجب اکنون زیستی است
۱۵۶	گذشته زیستی ضد خردمندی است
۱۶۵	بخش پنجم (مقایسه و نتیجه‌گیری)
۱۶۷	مقدمه
۱۶۹	مبانی روان‌شناسی انسان‌گرایی

۱۷۱	مقایسه دیدگاه مولانا در خصوص انسان
۱۷۸	صفات انسان‌های اکنون زیست و امیدوار
۱۷۹	ویژگی‌های افراد امیدوار و اکنون زیست
۱۷۹	واقع بینی و واقعیت‌پذیری
۱۸۱	علاقه به خلوت
۱۸۲	لزوم مراقبه
۱۸۳	اعطاف‌پذیری و مدارا
۱۸۴	نتیجه‌گیری
۱۸۷	کتابنامه
۱۸۷	کتاب نامه

پیشگفتار

وقتی موضوع پژوهش را پیشنهاد دادم و مورد موافقت و تشویق استادانم قرار گرفت، به واسطه راجد و سرخوشی این تأیید، پنداشتم، پس قابلم، پس می‌توانم. هر چه بیشتر رفتم تا به نیمه راه، خود را غریقی یافتم در دریای بی‌کرانه ژرف و موج خیز. دست و پا زدن که پیش از آن آموخته بودم، حتی پشیمانی را هم کفاف نبود. خردشالی آ بازی به حرمان و ترس و اضطراب بدل شد و زمزمه می‌کردم که «ای مکش، عرصه سیمرخ نه جولانگه تست» از سرب‌بی‌راهی و گرفتگی، انبوه برگ‌نرشته‌ها را بار دیگر بی‌قیدانه بر هم می‌زدم که این ابیات مرا به خود می‌خواند:

در هوای آسمان قصه از چو بید
آب و آتش ررق، بی‌افزایدت
منگر اندر عجز، بنگر در طلب
زانکه هر طالب به مطلوبی راست
تا دلت زین چاه تن بیرون شود

دم به دم بر آسمان می‌دار امید
دم به دم از آسمان می‌آیدت
گر تو را آن جا برد نبود عجب
کین طلب در تو گروگان خداست
جهد کن تا این طلب افزون شود

(دفتر پنجم ۱۷۳۵-۱۷۳۱)

عاقبت زان در برون آید سری

گفت پیغمبر که چون کوبی دری

(دفتر سوم ۹۷۹)

توبه هر حالی که باشی می‌طلب آب می‌جو دائماً ای خشک لب

(دفتر سوم ۱۴۳۹)

آن قدر طلب و امید روئید، آن قدر ندای شکر و نیایش و شکیبایی از مولوی می‌رسید که نمی‌دانستم این همه را چگونه به رشته تحریر در آورم. بازگستاخی‌ام را به دیده اغماض نگریست و فرمود:

گر نتانی درد طوفان صاحب کی توان کردن به ترک خورد آب

(دفتر پنجم، ۱۸)

به برگ نوشتن از فیه ما فیه که رسیدم، دریافتم که استادانم بویژه جناب دکتر کازرونی و سرکار خانم دکتر پرهیزگار، مولوی وار شاگرد کم سواد را با حکمت و تدبیر جرأت آموخته‌اند: «همچنانکه معلم کودکی را خط نوزد، چون به سطر رسد، کودک سطر می‌نویسد و به معلم می‌نماید.

پیش معلم آن همه کڑ است و بد. با وی به طریقی صحبت و مدارا می‌گوید که: جمله نیک است و نیکو بنشستی، احسنت، احسنت! الآن یک حرف را بد بنشتی، چنین می‌باید، و آن یک حرف هم بد بنشتی». چند حرفی از آن سطر بد می‌گوید و به وی می‌نماید که چنین می‌باید بنشتن و باقی را تعمیر می‌گوید تا دل او نرمد و ضعف او به آن تحسین قوت گیرد و همچنان بتدریج تسلیم می‌کند و مدد می‌یابد».

من نیز همچون تشنه‌ای دردمند که بر سر دیوار نشسته بود، خشتی در این آب معرفت می‌اندازم، باشد که با قبول کریمانه حضرت مولانا و شما معرفت جوان فرزانه بتوانم اندکی به این اقیانوس شوریده و بیکرانه حکمت و معرفت نزدیکتر شوم. در پایان و آغاز از جناب دکتر عباس آشوری نژاد سپاس می‌گویم که اگر تشویق‌های امیدبخش ایشان نبود، موهبت این شاگردی فراهم نمی‌شد.